

تعقل و تفکر و تاثیر آن در تربیت عقلانی انسان

آیسودا زندگی^۱

چکیده

تربیت از ریشه «ربو» به معنای افزودن، رشد و نمو است و همین معنا و مفهوم در تربیت وجود دارد؛ بنابراین تربیت به معنای فراهم آوردن زمینه های فزونی و پرورش است یعنی این که تربیت فکری انسان به معنای فراهم آوری و تکمیل همه ی زمینه ها و لوازمی که به ذهن انسان و عقل و توجه او کمک می کند تا رشد و نمو کاملی داشته باشد تا انسان را به دستیابی به هدف آفرینش که همان بندگی و عبد بودن است، دست یابد و همچنین تربیت به معنای تهذیب یعنی زدودن و دور کردن ویژگی های ناپسند و زشت هم به کار می رود. این تحقیق به شیوه توصیفی-تحلیلی و از روش کتابخانه ای گردآوری شده است و پس از تعریف تعقل و تفکر، به این سؤال پاسخ می دهد که تفکر در تربیت عقلانی انسان چه نقشی دارد؟ انسان با شناخت قدرت پیامبر باطنی (عقل) و توجه و کسب معرفت در خود شناسی، هستی، اوصاف الهی، خیر و شر این دنیا و جزا و پاداش اخروی عملکرد خود می تواند به خود کمک کند تا هم در این دنیا از ضرر خود جلوگیری کند و سپس به سود برسد و هم در زندگی اخروی خود از گمراهان و خاسران نباشد و وجود تعقل و تفکر صحیح در این را برای انسان حیاتی است تا به کمک آن به قرب الهی برسد. تمییز حق از باطل، درک حقایق هستی، تربیت اسلامی، آگاهی از فساد و اصلاح امور زندگی از تاثیرات مهم اصل تفکر بر تربیت عقلانی است.

کلیدواژه: تربیت، تفکر، تربیت عقلانی، تعقل.

۱. طلبه سطح ۲، مدرسه علمیه معصومیه یزد

مقدمه

انسان شگفت انگیزترین مخلوق الهی و والاترین نشانه‌ی قدرت حق تعالی است. انسان دارای استعداد اتصاف به همه‌ی صفات و کمالات عالی الهی است و او آفریده شده است تا به به کار گیری همین استعدادها و خدماتی که حق تعالی در ادامه‌ی راه در دسترس او قرار داده به «خليفة الله» برسد. البته که این جز با تربیت حقیقی میسر نمی‌شود.

حقیقت انسان، حقیقتی ملکوتی است و انسان با پیمودن مراتب عالی و تربیت از این مرتبه‌ی خاکی به سمت حقیقت وجودی خودش حرکت میکند و متصف به والاترین کمال می‌شود. طبق فرموده خداوند در آیات ۴-۶ سوره تین می‌توانیم به این مطلب برسیم. «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ؛ [که] براستی انسان را در نیکوترین اعتدال آفریدیم. سپس او را به پست‌ترین [مراتب] پستی بازگردانیدیم. مگر کسانی را که گرویده و کارهای شایسته کرده‌اند که پاداشی بی‌منت خواهند داشت.»

پیشینه این موضوع همزمان با خلقت انسان است و با آفرینش حضرت آدم و حوا و سپس با تولد فرزندان آنها خداوند همواره در پی رسیدن‌ها به قرب خویش و توجه نکردن به وسوسه‌های شیطانی بوده است تا ایشان و فرزندان را از دام شیطان رها کرده و مأمن امن خود جای دهند پس به آنها عقل راهنما و رسولان را برای بیم و انذار این خرد قرار داده است. تاکنون کتاب‌های زیادی درباره‌ی این موضوع نوشته شده مثل «تربیت عقلانی در نهج البلاغه» اثر سید کاظم علوی لنگرودی که در سال ۱۳۹۰ در دانشگاه یزد به چاپ رسید و یا کتاب «تربیت عقلانی از منظر قرآن کریم» از محمد احسانی که در سال ۱۳۹۳ توسط انتشارات پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی به چاپ رسید. نویسندگان این دو کتاب به تربیت عقلانی پرداخته‌اند اما پژوهش حاضر تاثیر تفکر و تعقل را بر تربیت عقلانی مورد بررسی قرار می‌دهد.

پایان نامه «روش‌های تربیت عقلانی از دیدگاه نهج البلاغه» نوشته فرح جهانی که در سال ۱۳۸۴ از دانشگاه آزاد اسلامی (تهران مرکزی) دفاع شده است و پایان نامه «تربیت عقلانی و اخلاقی انسان از دیدگاه نهج البلاغه» نوشته احمد خیراللهی که در سال ۱۳۷۱ از دانشگاه قم دفاع شده است. این دو پایان نامه تربیت عقلانی را از دیدگاه نهج البلاغه بررسی کرده‌اند اما این پژوهش تعقل و تفکر و تاثیر آن در تربیت عقلانی انسان را بررسی خواهد کرد.

مقاله « تربیت عقلانی (با توجه به آیات جزء بیست و هفتم قرآن کریم)» نوشته سید حمید رضا علوی که در سال ۱۳۹۳ در مجله پژوهش‌های تعلیم و تربیت اسلامی به چاپ رسیده است و مقاله «موانع تربیت عقلانی از دیدگاه شهید مطهری» نوشته مریم عشوری، محمد حسین حیدری و حسن علی بختیار نصر آبادی که در سال ۱۳۹۲ در مجله معرفت به چاپ رسیده است. این دو مقاله تربیت عقلانی را بررسی کرده اند اما این پژوهش تعقل و تفکر و تاثیر آن در تربیت عقلانی انسان را بیان خواهد کرد.

امام خمینی(ره) درباره‌ی سیره‌ی تربیت انسان می فرماید: «انسان مراتب سیرش از طبیعت است تا مافوق طبیعت، تا برسد به آنجایی که مقام الوهیت است. سیر از طبیعت تارسیدن به مقامی که غیر از خدا هیچ نبیند. این موجود قابل این است که از این طبیعت سیر بکند و تمام معنویتها را در خودش با تربیت صحیح ایجاد بکند و برسد به مقامی که حتی فوق مقام ملائکه الله باشد. انسان موجودی است که خدای تبارک و تعالی او را خلق کرده است برای اینکه همه جهاتی که در عالم هست، در انسان هست، منتها به طور قوه است. به طور استعداد است؛ و این استعدادها باید فعلیت پیدا کند، تحقق پیدا کند.»

هدف این مقاله اثبات چگونگی و نقش مؤثر عقل و تفکر در تربیت عقلانی انسان است و اما سوال اصلی این است که تفکر در تربیت عقلانی انسان چه نقشی دارد؟

مفهوم تربیت فکری

تربیت فکری، از واژه های تربیت و فکر گرفته شده است

اگر تربیت از ریشه ی (ربّ - یربّ) باشد، به معانی سرپرستی و رهبری کردن، پروراندن، نعمت را زیاد کردن، اقامت کردن، جمع کردن چیزی، بچه راتربیت کردن تا به حد رشد رساندن است. براساس معانی ماده هایی که در اینجا ذکر شد ، فرق بین ریشه ی (ربّ - یربّ) و دو ماده دیگر معلوم می گردد. به این معنا که وقتی می گوییم (ربّی الصغیر، مضاعف) کودک را به جهت کمال سوق می دهد . هرگاه در دیدگاه دانش تربیت بنگریم، به این نتیجه می رسیم تربیت با این دیدگاه مورد نظر واقع شده ؛ چنانچه قرآن کریم نیز تربیت را با ساختار لفظی (ربّ) به کار برده است. در کتب لغت نامه های فارسی تربیت به معنای پروراندن ، دست نرم بر پهلوی بچه زدن تا

بخواهد و آموختن به کار رفته است اغلب آن درمورد پرورش دادن ومورد تعلم قرارگرفتن کودک و افراددیگر است.^۱

مفهوم تفکر

از نظر معنایی در فرهنگ واژه ها چنین بیان شده است: تفکر مصدر باب تفعّل ومصدر باب تفعیل (تکفیر) از ریشه (فکر) است. به معنای اندیشه، تأمل وتدبر کردن در معنایی که به قلب خطور می کند.^۲ و در اصطلاح، تصرف قلب در معانی اشیا برای ادراک مطلوب است.^۳

فکر نیز از همین ریشه و در لغت به معنای تأمل^۴ و در اصطلاح حرکت نفس از مطالب (مجهولات) تصویری و تصدیقی به مبادی^۵ و سیر در معلومات موجود است تا مجهولاتی که ملازم با آنهایند معلوم گردند^۶

فکر، نیرویی است در شخص که برای طلب معنا، در امری دقیق و باریک می گردد و تفکر جولان این نیرو بر حسب نظر عقل است و جز بر آنچه صورت آن در قلب حاصل گردد گفته نمی شود.^۷ فکر در اصطلاح عامه مردم نیز عبارت است از هر انتقالی که برای نفس در ادراکات جزئی صورت گیرد^۸.

مفهوم عقل

عقل در لغت به معنای نگهداری ، باز ایستادن و منع کردن است. عقل به نیرویی می گویند که آماده ی پذیرش علم است. همچنین به علمی که به وسیله آن به دست آید و همچنین «عقال» به معنای طنابی است که بر پای شتر می بندند تا حرکت نکند و «عاقل»؛ یعنی کسی که نفس

۱. معلوف، المنجد، ص ۳۵۰

۲. همان، ص ۱۱۶۷

۳. المصطفوی، التحقيق، ج ۹، ص ۱۲۶.

۴. ابن منظور، لسان العرب، ج ۵، ص ۶۵.

۵. السبزواری، شرح منظومه، ج ۱، ص ۸۴.

۶. الشعرانی، نثر طوبی، ج ۲، ص ۲۷۰.

۷. الراغب مفردات، ج ۱، ص ۶۴۳، «فکر».

۸. سبزواری، شرح منظومه السبزواری، ج ۱، ص ۸۴.

خود را حبس کند و نگذارد که هواهای نفسانی بر او مسلط شوند. از این رو است که نیروی عقل انسان را از کارهای ناپسند باز دارد؛ البته در لغت به معنای دریافت کرده است.^۱ عقل در آیات و روایات مختلفی به معنای مختلف دیده میشود: «وَيَجْعَلُ الرَّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ؛ و هیچ کس را نرسد که جز به اذن خدا ایمان بیاورد و [خدا] بر کسانی که نمی اندیشند پلیدی را قرار می دهد».^۲

«يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَمَا يَخْدَعُونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ؛ با خدا و مؤمنان نیرنگ می بازند ولی جز بر خویشتن نیرنگ نمی زنند و نمی فهمند»^۳ «إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ؛ مسلماً در آفرینش آسمانها و زمین و در پی یکدیگر آمدن شب و روز برای خردمندان نشانه هایی [قانع کننده] است»^۴ پیامبر در حدیثی می فرماید: «ای علی، عقل چیزی است که با آن، بهشت و خوشنودی خداوند مهربان به دست می آید».^۵ به جهت ادراکی که انسان دل به آن می بندد و چیزی را با آن درک می کند، نیز عقل گفته می شود.

الف: عناصر مهم در تربیت عقلانی

شناخت انسان، مهم ترین امر در تربیت است؛ اینکه حقیقت انسان چیست و این موجود از چه استعداد و ظرفیت وجودی برخوردار است ملکی است یا ملکوتی در جهت گیری تربیت نحوه رفتار با انسان و سیر انسان به سوی مقصد تربیت نقشی تعیین کننده دارد. با توجه به همین جایگاه است که در سخنان اولیا به آن اشاره شده است.

« لَا مَعْرِفَةَ كَمَعْرِفَتِكَ بِنَفْسِكَ ؛ هیچ شناختی چون شناخت خویشتن نیست»^۶.

۱. معین، محمد، فرهنگ معین، لغت عقل.

۲. یونس، آیه ۱۰۰

۳. بقره، آیه ۹

۴. آل عمران، آیه ۱۹۰

۵. ابن بابویه، من لایحضر الفقیه، ج ۴، ص ۳۶۹

۶. حرانی، تحف العقول، ص ۲۰۸

میگویند این معرفت نیست؛ اما راه دوم آن است که بداند و معرفت پیدا کند به اینکه: اولاً: آنچه باقی تر است، برای برگزیدن سزاوارتر است. ثانیاً: آخرت باقی تر است. پس با این دو مقدمه معرفتی به معرفتی سوم دست یابد و آن اینکه ثالثاً: آخرت سزاوار انتخاب و برگزیدن است.

البته ممکن نیست که انسان به معرفت سوم دست پیدا کند مگر با شناخت معرفت اول و دوم مجموعه این عمل را فکر می نامند.^۱ بنابراین می توانیم بگوییم تفکر همان تجزیه و تحلیل معلوماتی است که در ذهن انسان در طول سالیان اندوخته شده است. تفکر سیر در فرآورده هایی است که ابتدائاً برای ذهن انسان پیدا شده است؛ مانند شخصی که در باره ی وضع ریشه، ساقه، کیفیت تغذیه و رشد و نموگلی اطلاع دارد می تواند با این معلوماتی که از گذشته در ذهن دارد با قدرت علمی که دارد، حکمت و تقدیر الهی را ببیند و در آن بیندیشد؛ اما کسی که از گل و گیاهان جز شکل و ظاهرش چیزی را نمی بیند و بیش از آن اطلاعی ندارد قادر به تفکر درباره ی آفرینش و شگفتی های آن تفکر کند. پس مایه ی تفکر و از همه با اهمیت تر ثمره و نتیجه ی آن هم علم و معرفت است.

انسان هیچ زمانی را بدون تفکر و فارغ از آن نمی گذراند و به همین خاطر است که می گوییم فکر فطری انسان است و قرآن انسان را به آن میخواند و سبک و روش صحیح آن را توسط قرآن و زندگی پیامبر (ص) وائمه می بینیم . این روش این است که روی فطریات تمرکز میکنند از بدیهی به سمت نظری با توجه به رابطه ای که بین این دو وجود دارد حرکت کنند و در این راه احتیاج به یک میزان داریم که آن معیار و میزان برای ما منطق است و منطق به شما کمک می کند که چگونه باید اندیشید.

آقای جوادی آملی در کتاب هدایت درقرآن دراین باره می گوید: این است همان ترازوی راست و درستی که دین به آن سنجیده و محکم می شود.

اگرچه قرآن صریحاً نمی گوید که اینگونه باید تفکر کرد اما این روش را قبول دارد. تفکر حقیقی جز با گذشتن از ظواهر و کثرات و رسوخ به باطن امور و پی بردن به فقر ذاتی و عدم ماهوی موجودات در قبال حق میسر نیست. این نحوه تفکر با دل آگاهی تحقق می پذیرد و جز با سیر معنوی حاصل نمی شود.

۱. غزالی، احیاءالعلوم، ج ۴، ص ۳۹۰

حقیقت تفکر دیدن عالم و آدم است با توجه به اصل ومبدأ حقیقی آنها و همچنین درک نسبت و رابطه اشیا و امور با حق است همانطور که در قرآن کریم درآیه آخر سوره فصلت آمده است: (به زودی نشانه‌های خود را در افقها [ای گوناگون] و در دل‌هایشان بدیشان خواهیم نمود تا برایشان روشن گردد که او خود حق است آیا کافی نیست که پروردگارت خود شاهد هر چیزی است.)

۵- کسب معرفت

در نظام تربیتی اسلام مردمان به تفکر در خداشناسی، انسان شناسی و جهان شناسی و تاریخ شناسی دعوت می شوند تا از راه این زندگی و سیر ظلمات به سوی نور و اتصاف به اسما حسنا و صفات علیای الهی برایشان میسر شود. در قرآن کریم درباره ی این مجاری و راه های کسب بصیرت و هدایت و حکمت الهی به وسیله ی تفکر با ذکرآیاتی پرداخته است؛ از جمله آیه ۲۵۵ سوره بقره که می فرماید: «اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ خداست که هیچ معبود [بحقی] جز او نیست و زنده [پاینده] است.» و یا در آیه ۵ سوره طارق «فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ؛ پس انسان باید بنگرد که از چه آفریده شده است.»

انسان با تفکر صحیح در این مجاری به راه های کسب حقیقت و معرفت الهی دست پیدا میکند. تفکر صحیح در عظمت الهی که از راه تفکر در هستی و خود به دست می آید، انسان را به خشیت الهی و اطاعت خدا و می دارد و تفکر در دنیا و لذت های زودگذرش انسان را به تقوا و پارسایی می کشاند و اندیشیدن در سرانجام انبیا و اولیا و صالحان ، انسان را به پیروی کردن از آنها و اندیشه به عاقبت بدکاران موجب پرهیز از کردار و رفتار آنها می انجامد. انسان با فکر به کمی و کاستی خود و عظمت و کمال پرودگار به اصلاح نفس خود می پردازد و با فکر در اسرار عبادات و هدف آنها موجب ایجاد شوق در انسان برای عمل به آنها میشود و هرچه تمام تر آنها را کامل و بهتر انجام دهد و وقتی به درجات عالی آخرتی فکر کند سعی در به دست آوردن آنها میکند. و تفکر در مسائل شرعی آدمی را به عمل به آنها می کشاند و همینطور زمانی که انسان در اخلاق نیکو و خوبیها می اندیشد با توجه به فطری بودن آنها به سمت کسب آنها کشیده می شود و بدی ها هم همین طور هستند، می توانیم در یک کلام بگوییم هیچ چیزی مانند تفکر کردن راه سعادت چه برای دنیا و چه برای آخرت فرد بهتر از تفکر کردن درباره ی آن نیست و تفکر است که درهای بسته را به روی انسان می گشاید.

نتیجه گیری

خداوند برای انسان دو عقل در نظر گرفته است؛ اول عقل معاد یا کلی دوم عقل معاش یا جزئی عقل معاد که یک عقل روحانی و ویژه ای است که برای هدایت و تربیت کمک می کند. انسان زمانی که به حداقل خودشناسی و هستی شناسی میرسد عقلی که به گفته ی امام صادق (ع) خداوند آن را مورد خطاب قرار داده است.^۱

زمانی که انسان با اشکال و ابهام هایی در تربیت فکری خود مواجهه شود با حرکت دهن از معلومات به سمت مجهولات، در کنار کسب اطلاعات بیشتر در این باره و برطرف کردن آنها می تواند بهتر در مسیر هدایتش قدم بردارد و عالمانه تر عمل کند. در این مقاله بیان شد که خداوند برای غایت آفرینش بشردر کنار حجت های بیرونی، به او حجت درونی عطا کرده است که در هرفرد با تهدیب نفس و دوری از شهوات و آمال شیطانی و زینت بخشی وجودش به صفات الهی و رحمانی می تواند آن را گسترش دهد تا هم بتواند در امور دنیا از ضرر های موجود در زندگی خود جلوگیری کند و علاوه بر سود بردن در زندگی مادی در زندگی اخروی هم سود عظیم و بهره فراوان و تمام نشدنی برای زندگی ابدی خود کسب کند.

حقیقت تفکر چیزی نیست جز توجه و دیدن هستی و آفریده های الهی با تمام ابعاد آنها، چون چنین توجه و تمرکزی روی آنها باعث ایجاد تفکر صحیح و التزام و توجه به خالق دانا و حکیم آنها و توجه به شگفتی ها و زیبایی های آفرینش خلقت انسان را به تفکر در مورد خالق قادر و یکتای وادار می کند. تفکر صحیح پایه و اساس تربیت اسلامی است و می توان ثمره ی تربیت صحیح تعقل و تفکری پویا و درست در جهت کسب معرفت و علم است؛ چون این دو با هم در رابطه هستند و رابطه علی دارند.

۱ غزالی، مشکات الانوار فی غرر الاخبار، ج ۱، ص ۵۲۵

فهرست منابع

* قرآن کریم

* نهج البلاغه

منابع فارسی

۱. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر موضوعی قرآن، قم: مرکز نشر فرهنگی رجا، ۱۳۷۳ ش.
۲. _____، عرفان و حماسه، چاپ اول، قم: مرکز نشر فرهنگی رجا، ۱۳۷۲ ش.
۳. خمینی، سیدروح الله، چهل حدیث، بی نا، تهران، ۱۳۲۷ ش.
۴. دلشاد تهرانی، مصطفی، سیری در تربیت اسلامی، تهران: موسسه نشر و تحقیقات ذکر، ۱۳۷۶ ش.
۵. طباطبایی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان، ترجمه سید محمد باقر موسوی، ج ۲، قم: نشر اسلامی، ۱۳۶۳ ش.
۶. کردی، عبدالرضا، فرآیند انسان سازی در تعلیم و تربیت، نشر منصوری، تهران، ۱۳۷۵ ش.
۷. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، مهدی آیت اللهی، ج ۲، تهران: جهان آرا، ۱۳۸۷ ش.
۸. مطهری، مرتضی، تعلیم و تربیت در اسلام، چاپ ۱۴، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۶۷ ش.
۹. معلوف، لويس، المنجد، ترجمه محمد بندر ریگی، انتشارات اسلامی، ۱۸۷۶ ق.

منابع عربی

۱۰. ابن بابویه، محمد بن علی، تصحیح علی اکبر غفاری، من لایحضر الفقیه، قم: انتشارات اسلامی، ج ۴، ۱۴۱۳ ق.
۱۱. ابن منظور، لسان العرب، به کوشش علی شیری، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ ق.
۱۲. تمیمی آمدی، محمد، غررالحکم و دررالحکم، سید مهدی رجایی، قم: دار الکتاب السلامیه، ۱۴۱۰ ق.

۱۳. حرانی، ابن شعبه ، تحف العقول عن آل الرسول صلى الله عليهم، چاپ علی اکبر غفاری، قم، ۱۳۶۳.
۱۴. حکیمی، محمدرضا، الحیاه، تهران: نشر ثقافه السلامیه، ج ۱، ۱۳۹۹ق.
۱۵. خالد برقی، ابو جعفر، المحاسن، به اهتمام جلال الدین حسینی محدث، تهران: دارالکتب السلامیه، ۱۳۷۰ش.
۱۶. خزار، ابوالقاسم، کفایه الاثر فی نص ائمه اثنی عشر، تحقیق عبدالطیف حسینی کوه کمری، قم: انتشارات بیدار، ۱۴۰۱ق.
۱۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، چاپ اول، دمشق: دار العلم، ۱۴۱۲ق.
۱۸. رویغی افریقی، جمال الدین محمد بن مکرم ، لسان العرب، بیروت: دار البیروت، ۱۴۱۴ق
۱۹. السبزواری، شرح منظومه، به کوشش حسن زاده آملی، تهران: ناب، ۱۴۱۷ ق.
۲۰. الشعرانی ، نثر طوبی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۸ ق.
۲۱. غزالی، ابو حامد، مشکات الانوار، صادق آیینه وند، مشهد: امیرکبیر، ۱۳۶۴ش.
۲۲. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ابوالحسن موسوی همدان، تهران: کتابخانه مسجد ولی عصر(عج)، ۱۳۶۳ش.
۲۳. مجلسی، محمد باقر، مراه العقول فی شرح الخبر آل رسول، اخراج وتصحیح سید هاشم رسولی، تهران: دارالکتب السلامیه، ش ۱۳۶۳
۲۴. المصطفوی، التحقیق، تهران: وزارت ارشاد، ۱۳۷۴ ش.
۲۵. میانجی محمدباقر الملکی، توحید الامیه، طبیه اولی، موسسه طباعه و نشر وزارت الثقافه و الارشاد الاسلامی، ۱۴۱۵ق.

مقالات

۲۶. جوادی آملی، عبدالله، هدایت در قرآن، پاسدار اسلام، قم، ماهنامه دفتر تبلیغات اسلامی، شماره ۲۷، ۱۳۶۲ش.